مناسک حاج
ملا محمد جعفر

وبه نستعین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله علی نواله والصلوة والسلام علی رسوله وآله

اما بعد پس میگوید خادم اعتبار ائمه اثنی عشر مذهب جعفری وشرع محمدی محمد جعفر استرابادی که این رساله ایست در بیان مسائل ضروریه حج بر وجه اختصار با ذکر ادعیه ماثوره واین رساله مرتب خواهد شد بر یک مقدمه وچند مقصد ویک خاتمه

اما مقدمه پس در بیان تعریف حج واقسام آن ومکلف بهر قسم است بدانکه حج عبارت است از قصد بیت الله الحرام از برای عبادات مخصوصه بر وجه مخصوص یا طواف کردن خانه خدا را با اعمال مخصوصه بر وجه مخصوص وحج بر سه قسم است اول حج تمتع است که آنرا حجة الاسلام نیز میگویند وآن حجی است که مقدم است بر او عمره او که قصد کرده میشود بآن عمره تمتع وعمره حجة الاسلام واین واجب است بر کسی که خانه او دور باشد از مکه معظمه بقدر شانزده فرسخ از هر طرف یا دوازده میل علی الاختلاف وجایز نیست که این فرقه بدون ضرورت عدول کنند از حج تمتع بسوی حج

ادای ۲

باید دانست که در صورتی که بداند اتمام اعمال عمره باعث فوت شدن حج یا اتمام خواهد شد بسبب عدم ادراک وقوف عرفات و مشعر از وقوف اختیاری و اضطراری [illegible]

افراد یا قران و با ضرورت جایز است مثل اینکه بترسد
که هرگاه عمره را تمام کند حج او فوت شود پس در این صورت
نیت عمره را بدل میکند به نیت حج و بعد از اتمام اعمال حج عمره
مفرده بجای آورد و محکی از اکثر این است که حد فوت شدن
حج آنست که مظنه داشته باشد که هرگاه عمره را تمام کند
وقوف اختیاری عرفه را درنمی یابد پس هرگاه چنین ماند
که افعال عمره را تا بعد از ظهر روز عرفه هم میتواند بجا می
آورد و پیش از غروب آفتاب بعرفات میرسد عمره را تمام بکند
و عدول نکند و همچنین هرگاه زن صاحب حیض یا نفاس
باشد و نتواند طواف کند و وقت تنگ باشد عدول
باید بکند بحج افراد پس اول حج را بجا می آورد و بعد عمره را
و اگر

و اگر حیض یا نفاس بعد از چهار شوط باشد حج تمتع او صحیح است
و از طواف دست برمیدارد و بعد از سعی و باقی اعمال عمره و
پاک شدن تتمه طواف و نماز را بجامی آورد دویم حج افراد
است و آن عبارت است از حجی که عقد احرام آن بگفتن
لبیک تا آخر آن باشد و عمره او بعد از او باشد و با آن عمره
قصد حج نکند بلکه نیت جداگانه و مستقل بکند بانیطر تو
که مکلف احرام نبندد از برای حج پیش از عمره از میقات او که خواهد
آمد پس بعرفات برود و وقوف در آنجا نماید و وقوف مشعر را
نیز بجای آورد و بعد از این بمنی رود و اعمال منی را بجای آورد
و بعد از این بمکه بیاید و طواف کند و نماز طواف را بجای آورد
و سعی میان صفا و مروه بکند و محل شود و بعد از این عمره

مفرده را بجای آورد **ستم** حج قران واین حجی است که در عقد
احرام او مخیر است میان گفتن لبیک تا آخر که خواهد آملی
ومیان سوق هدی با مقدم بودن او بر عمره خود
وقصد حج از عمره او نکردن ومفرد کردن میان حج وعمره
به یک نیت ودر میان آنها محل نشدن بلکه بعد از تمام
شدن اعمال هر دو محل بشود با سوق هدی وراندن قربانی
بمنی قربانگاه واین دو قسم تکلیف مکلفیست که از اهل مکه
باشد یا اینکه در نزدیک مکه خانه که کمتر از مسافت مذکور
باشد ومضطر ثانی در حکم ایشان است چنانکه اشاره
بآن شده است ودر حج تمتع اعمال چند لازم است که حقیر از
جهة سهولت ضبط آنها را بنظم در آوردم وآن ابیات است **نظم**

در مکه

احرام وطواف وسعی وتقصیر

در مکه ودر نواحی آن : بر قاصد حج توقف میدانش
در بین صلوة ذات تکبیر : احرام و وقوف ورمی وقربانش
حلق است طواف با نماز آن : سعی است وطواف بعد نسوانش
ما بعد نماز شب صخودان : جمرات ثلث رابه تشریق
باید زدن از برای تفریق : پس مسائل حج تمتع را باید

در چند مقصد ذکر کرد **مقصد اول** در بیان مسائل
متعلقه باحرام است ودر این مقصد چند فصل است
فصل اول در بیان زمان احرام است بدانکه زمان
احرام ماه شوال وماه ذی القعده واوائل ذی الحجه است
وزمان عمره مفرده مجموع ایام سال است **فصل دوم**

در بیان مکان احرام است که آنرا میقات گویند که
بتعیین شارع باید در آنجا احرام بست و آن چند موضع است
اول مسجد شجره است که آن احرامگاه اهل مدینه
و کسانی است که از مدینه عبور میکنند دویم وادی
عقیق است که آن احرامگاه اهل عراق است و افضل آن
مسلخ است که برکه شریفه آنجاست و احوط آنستکه
تاخیر نکند تا ذات عرق که آنرا مغاسل میگویند مگر از جهة
تقیه یا عذر دیگر سیم جحفه است که احرامگاه اهل
شام است چهارم یلملم است که احرامگاه اهل یمن است
که از راه دریا بروند پنجم قرن المنازل است که احرامگاه
اهل طایف است و میقات احرام حج تمتع مکه است و

[illegible]

افضل

و افضل مسجد الحرام است و از برای غیر اهل مکه
منزل او است و هرگاه احرام در میقات ممکن نشود
در محاذات آن احرام بگیرد هرگاه نتواند برگردد بمیقات

و در ابتدای حرم نیز احرام بگیرد

خود و بمیقات دیگر نیز نرسد فصل سیم در بیان احکام
احرام است بدانکه از برای احرام واجبات است و محرمات
و مستحبات است و مکروهات و واجبات احرام چند
چیز است اول نیت است و بهتر اینستکه نیت کند که
جامههای دوخته را میکنم از برای احرام عمرهٔ تمتع و عمره
حج تمتع قربة الی الله و نیت عمرهٔ تمتع و احرام آن نیز بکند
و در وقت پوشیدن جامهٔ احرام نیت کند که دو جامهٔ
احرام می پوشم در عمره تمتع عمره حجة الاسلام قربة الی الله

واجب

بالعرض دوم پوشیدن دو جامه احرام است که دوخته
نباشد و حریر نباشد و پوست و موی حیوان حرام
گوشت نباشد و نجس نباشد بنجاستی که در نماز عفو
نیست بلکه اولی این است که در سایر اوقات احرام نیز
پاک باشد و احوط این است که بدن هم پاک باشد
در سایر اوقات احرام و باید جامه غصبی و حکم غصبی نباشد
و باید یکی از آن دو جامه را لنگ کند و ساتر عورتین کند
و دیگری را ردا کند و بر دوش اندازد و باید که لنگ
آنقدر باشد که میان ناف و زانو را بپوشاند و نیز نباید
که لنگ بدن نما باشد بلکه ردا نیز بدن نما نباشد
علی الاحوط الاولی و احوط اینستکه زنان نیز از حریر محض

اجتناب

اجتناب نماید و بهتر این است که لنگ را گره نزند بلکه
طرفهای او را از هم بگذرانند و بعضی را داخل بعضی کنند
اگر ممکن باشد چنانکه هرگاه جامه را بطور رداء
در بر گیرد گره نزند و بدوش اندازد و دو طرف آنرا
بر پیش سینه بیاورد یا آنکه هر دو طرف آنرا بعد از انداختن
بدوش جمع کند و بدوش راست اندازد بهتر است بلکه لازم است
زیرا که گره زدن حرام است علی الاقوی سیم گفتن
چهار تلبیه است با نیت باینطریق که نیت کند که عمره
اسلام عمره تمتع بجا می آورم واجب قربة الی الله و چهار
تلبیه میگویم در عمره اسلام عمره تمتع از جهة عقد
احرام واجب قربة الی الله پس احتیاطا بلا فاصله بگوید

بدانکه در جواز فصل بین نیت
تمتع و بین تلبیه از برای عقد احرام
علی اشکال است و تمام جوازات
احوط عدم فصل است
منه دام ظله

لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک واحوط
این است که اضافه کند این کلمات را ان الحمد والنعمة
لک والملک لا شریک لک لبیک واولی آنستکه اضافه
کند این کلمات را لبیک ذا المعارج لبیک لبیک داعیا
الی دار السلام لبیک لبیک غفار الذنوب لبیک
لبیک اهل التلبیة لبیک لبیک ذا الجلال والاکرام
لبیک لبیک تبدئ والمعاد الیک لبیک لبیک
مرهوبا ومرغوبا الیک لبیک لبیک اله الحق
لبیک لبیک ذا النعماء والفضل الحسن الجمیل لبیک
لبیک کشاف الکرب العظام لبیک لبیک عبدک و
ابن عبدیک لبیک لبیک یا کریم لبیک وبهتر آنست

که این

که این کلمات را نیز بخواند لبیک اتقرب الیک بمحمد و
آل محمد لبیک لبیک بحجة وعمرة معا لبیک هذه
متعة الی الحج لبیک اهل التلبیة لبیک لبیک تمامها
وبلاغها علیک لبیک ویکبار واجبست وتکرار
مستحب است واما محرمات احرام پس آن چند امر است اول
شکار کردن حیوان غیر دریائی است ونگاه داشتن آن
ونشان دادن آن بصیادی باشاره ومثل آن وهمچنین در
بستن بروی آن تا بمیرد وذبح کردن وخوردن گوشت آن
هر چند محل صید آن کرده باشد دویم جماع کردن زنان
وبوسیدن ایشانست ومالیدن بدن ببدن ایشان ونظر
کردن بایشان باشهوت وعقد کردن ایشان از برای خود

بیکری یا اینکه دیگری را وکیل کند که برای او عقد کند
و شاهد شدن از برای عقد است خواه از برای محرم باشد
یا محل و احوط ترک اقامه شهادت است بدون ضرورت **سیم**
بیرون آوردن منی است **چهارم** استعمال کردن بوی خوش
است که مهیا از برای بوئیدن و مانند آن باشد خواه بدن
باشد و خواه برخت و خواه بخوردن و کافور از جمله آنهاست
و علف خوشبوی و میوه خوش بوی ضرر ندارد و مثل ریحان
و در جس خلاف است و احوط اجتناب بلکه احوط اجتناب است
از هر بوی خوشی سوای خلوق کعبه و بوی خوش بازار میان
صفا و مروه **پنجم** گرفتن دماغ است از بوی بد بلکه گرفتن
دماغ از بوی خوش است **ششم** پوشیدن لباس دوخته و مانند
آن

آنهاست از برای مردان اما زنان پس جایز است از برای ایشان
پوشیدن جامه دوخته سوای دستکش که از برای زینت
میدوزند **هفتم** پوشیدن چیزیست که تمام پشت پا را
بپوشد مثل چکمه و در صورت اضطرار احوط اینست که
ساق آنرا ببرد و برآمدگی پشت پا ظاهر نشود و از جانب
حرامی در پشت پای شق کند **هشتم** دروغ گفتن است **نهم**
دشنام دادن است **دهم** فخر کردن است **یازدهم** قسم خوردن
بلا والله و بلی والله بلکه مطلق قسم بقصد خصومت است
بلکه قسم خوردن مطلق علی الاحوط مگر در صورت ضرورت
دوازدهم کشتن جانوران بدنست مثل شپش قطعاً
و کیک و امثال آن احتیاطاً خواه در جامه باشد یا بدن

دیگر بدون عطاف و امثال آن از جنبه ها باید
محیط باشد بدیدن ... تا ملامت
و پنهان کردن بر روی مثال ...
منه دام ظله
باشد

سیزدهم انداختن شپش است بلکه غیر او نیز علی الاحوط
سوای کنه انسان و در انداختن کنه شتر خلاف است و
احوط منع است و نقل کردن شپش از جائی بجائی دیگر که
در معرض افتادن نباشد جایز است چهاردهم مالیدن روغن
است بر بدن اگر بوی خوش داشته باشد هر چند پیش از احرام
بمالد و همچنین روغنی که بوی آن بماند تا بعد از احرام و در غیر آن
خلاف است و اجتناب احوط است بلکه اظهر است پانزدهم
ازاله کردن موی است از خود بدون ضرورت بلکه از غیر خود
نیز هر چند آن غیر محرم نباشد علی الاحوط شانزدهم گرفتن ناخن است
بدون ضرورت هفدهم بیرون آوردن خون است بدون
ضرورت و در خاریدن بدن بناخن بطوری که خون بیاید

تامل است

تامل است ظاهر جواز است هیجدهم کشیدن سرمه سیاه است
بچشم بدون ضرورت هر چند بقصد زینت نباشد و همچنین
هر سرمه که در آن بوی خوش باشد نوزدهم نگاه کردن در آینه است
بدون ضرورت هر چند بقصد زینت نباشد بیستم انگشتر
بدست کردن است از برای زینت بیست و یکم خضاب کردن است
بحنا بقصد زینت بیست و دوم پوشیدن زنان است زیور غیر عادی
یا عادی بقصد زینت و بدون قصد زینت یا پنهان کردن
از مردان حتی از شوهر خود ضرر ندارد بیست و سیم حربه و اسلحه
پوشیدن است بدون ضرورت و خوف بیست و چهارم مردان پوشیدن
سر را تماما یا بعضا حتی گوش را در حال اختیار بمثل کلاه و گل
و حنا و طبق و زنبیل و کاغذ و امثال اینها و پوشیدن است و سا

اعتبار خارئیدن ضرر ندارد مثل آب ریختن و شستن سر و هر گاه
سهواً پوشید فوراً بردارد و احتیاطاً تلبیه بگوید و پوشیدن
روی ضرر ندارد و اما زنان پس جایز است برای ایشان پوشیدن
سر و لیکن واجب است که روی خود را بگشایند در حال
امکان و در حال الاضطرار چون زمان عبور مردان مقنعه
خود را می آویزد و احوط اینست که بر وجهی باشد که بر روی او
نخورد و هر چند بجائی باشد که مانع باشد چون چوب پست
پنجم در زیر سایه بان بودنشان برای مردان در حال
راه رفتن با اختیار مثل بودن در کجاوه کیه یا محملی که سقف
داشته باشد و خواه روز و خواه هوا صاف باشد یا نباشد خواه شب باشد
بلکه اولی آنست که اجتناب کنند از اینکه جامه بر سر چوب نصب
کنند

کنند که در سایه آن راه بروند با اینکه برابر آفتاب نگاه بدارند
بلی در سایه خانه و بازار و مانند اینها راه رفتن ضرر ندارد
چنانکه در حال منزل گرفتن صحیح است از این مذکورات محرمین
ضرر ندارد و در حال الاضطرار بسبب مرض و مانند آن جایز است
ششم
پست سایه بان کردن با فدیه دادن یعنی ذبح گوسفندی در منی
قطع کردن و شکستن درخت و گیاه حرم مکه است اگر خشک نباشد
مگر اذخر که خواهد آمد استحباب خائیدن آن هر چند که در خشک
هفتم
پست نیز اجتناب احوط است چون محل در هر دو صورت
گره زدن روا داشت با مانند گره زدن هشتم پست کندن دندان است
علی قول بدانکه حیض و نفاس مانع احرام نیستند و اگر در اینحال
بخواهند در مسجد غیر مسجدین احرام بگیرند در حال العبور بگیرند

بلکه مکروه هست احرام کرفتن در جامه سیاه و سرخ و نارنجی

و زرد تیره و خوابیدن بر روی آنها و احرام در جامهٔ چرکین و پوشیدن

جامه علمدار و داخل شدن حمام و ازاله کردن چرک از بدن

و لبیک گفتن در جواب کسی که او را ندا کند بلکه بگوید یا سعد

و اما مستحبات احرام پس نیز چند امر است **اول** آنستکه

ماه ذی القعده موی سر و ریش را بگذارد بلکه اگر سر تراشد

احتیاطا گوسفندی قربانی کند **دویم** آنست که پیش از احرام موی

زیر بغل را ازاله کند بلکه کل بدن موی سر و کردن را نوره بمالد

سیم آنستکه شارب را بگیرد **چهارم** آنستکه ناخن را بگیرد

پنجم آنستکه بدن را از چرک پاک کند **ششم** آنستکه غسل

احرام بکند باین نیت که غسل احرام عمرهٔ تمتع میکنم قربة الی الله

هفتم

هفتم دعای ماثوره خواندن است در وقت شروع کردن

در غُسل بلکه در وقت غُسل و بعد از غسل نیز و آن

این است بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِی نُوراً وَطَهُوراً

وَحِرْزاً وَاَمْناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ اَللّٰهُمَّ

طَهِّرْنِی وَطَهِّرْ لِی قَلْبِی وَاشْرَحْ لِی صَدْرِی وَاَجْرِ عَلٰی

لِسانِی مَحَبَّتَکَ وَمِدْحَتَکَ وَالثَّناءَ عَلَیْکَ فَاِنَّهُ لا

قُوَّةَ اِلّا بِکَ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ قِوامَ دِینِی التَّسْلِیمُ لِاَمْرِکَ

وَالْاِتِّباعُ لِسُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ **هشتم**

آنستکه احرام را در عقب نماز ظهر بگیرد و اگر وقت آن نباشد

یا ممکن نباشد در عقب نماز واجب دیگر و اگر ممکن نشود در

عقب دو رکعت نماز نافله احرام که در رکعت اول بعد از

حمد

قل هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون بخواند و بعد از
نماز واجب یا مستحب بگوید بسم الله و الحمد لله و صلی الله
علی محمد و آله اجمعین اللهم انی ارید ان افعل
ما امرت به من التمتع بالعمرة الی الحج فان عرض لی
عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی لقدرک الذی
قدرت علی و بعد از آن نیت عمره و احرام آن بکند ثم
خواندن دعای ماثورست بعد از نماز فریضه یا نافله احرام
سوای دعای مذکور و آن اینست اللهم انی اسئلک ان تجعلنی
ممن استجاب لک و آمن بوعدک و اتبع امرک فانی عبدک
و فی قبضتک لا اوقی الا ما وقیت و لا آخذ الا ما
اعطیت و قد ذکرت الحج فاسئلک ان تعزم لی علیه

علی

علی کتابک و سنة نبیک و تقوینی علی ما ضعفت عنه
و تسلم منی مناسکی فی یسر منک و عافیة و اجعلنی
من وفدک الذی رضیت و ارتضیت و سمیت و
کتبت اللهم انی خرجت من شقة بعیدة و انفقت
مالی ابتغاء مرضاتک اللهم فتمم لی حجتی و عمرتی
اللهم انی ارید التمتع بالعمرة الی الحج علی کتابک و
سنة نبیک صلواتک علیه و آله فان عرض لی عارض
یحبسنی فحلنی حیث حبستنی لقدرک الذی قدرت
علی اللهم ان لم تکن حجة فعمرة احرم لک شعری
و بشری و لحمی و دمی و عظامی و مخی و عصبی من النساء
و الثیاب و الطیب ابتغی بذلک وجهک و الدار الآخرة

دهم خواندن دعای مأثور است بعد از پوشیدن جامه

احرام و آن اینست اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اُوارِی بِهِ

عَوْرَتِی وَ اُؤَدِّی فِیهِ فَرْضِی وَ اَعْبُدُ فِیهِ رَبِّی وَ اَنْتَهِی اِلٰی فیه

مَا اَمَرَنِی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِی وَ اَرَدْتُهُ

فَاَعَانَنِی وَ قَبِلَنِی وَ لَمْ یَقْطَعْ بِی وَ وَجْهَهُ اَرَدْتُ فَسَلَّمَنِی فَهُوَ

حِصْنِی وَ کَهْفِی وَ حِرْزِی وَ ظَهْرِی وَ مَلَاذِی وَ مَلْجَاءِی وَ

مَنْجَایَ وَ ذُخْرِی وَ عُدَّتِی فِی شِدَّتِی وَ رَجَائِی یازدهم

خواندن تلبیات طولانی است بعد از نماز احرام و در حال

راه افتادن و پیاده شدن و سوار شدن و بیدار شدن

از خواب و در عقب نماز واجب و مستحب و در وقتیکه سوار

شتر شود و شتر برخیزد و بلندی با پستی برود و بسوار

برسد

برسد و در سحرها و چون خانهای مکه را بنظر در آورد قطع

تلبیه میکند و چون بحرم رسد از راحله فرود آید دوازدهم

آنستکه غسل دخول حرم بکند سیزدهم برهنه کردن پاهاست

چهاردهم بدست گرفتن نعلین است پانزدهم خواندن دعای

مأثور است در هنگام دخول و آن این است اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ

قُلْتَ فِی کِتَابِکَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ وَ اَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَاْتُوکَ

رِجَالًا وَ عَلٰی کُلِّ ضَامِرٍ یَاْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ اَللّٰهُمَّ

اِنِّی اَرْجُو اَنْ اَکُونَ مِمَّنْ اَجَابَ دَعْوَتَکَ وَ قَدْ جِئْتُ مِنْ

شُقَّةٍ بَعِیدَةٍ وَ مِنْ فَجٍّ عَمِیقٍ سَامِعًا لِنِدَائِکَ وَ مُسْتَجِیبًا لَکَ

مُطِیعًا لِاَمْرِکَ وَ کُلُّ ذٰلِکَ بِفَضْلِکَ عَلَیَّ وَ اِحْسَانِکَ اِلَیَّ

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلٰی مَا وَفَّقْتَنِی لَهُ اَبْتَغِی بِذٰلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْدَکَ

والقربة اليك والمنزلة لديك والمغفرة لذنوبي وا[لتوبة]
على منها بمنّك اللهم صل على محمد وآل محمد وحرّم [جسمي]
بدني على النار وآمنّي من عذابك وعقابك يا ارحم الرا[حمين]
شانزدهم جائيدن اذخر است **هفدهم** غسل كردن است
از براى دخول مكّه از چاه ميمون يا فخ يا غير آن **هيجدهم** با كمال توا[ضع]
و شكستگى داخل شدن در مكّه است **نوزدهم** غسل كردن [است]
از براى دخول مسجد الحرام **بيستم** آنستكه از در بنى شيبه
داخل مسجد بشود و از باب السّلام در آيد و راست بيايد با
ستونهائى كه در بنى شيبه آنجا بوده است و با آرام دل و تن
و پاى برهنه داخل شود و در مسجد بايستد و دعاى
مأثوره را بخواند و آن اين است السّلام عليك ايّها النّبىّ

که الآن طاق زدند
مسدود ام ظله

ورحمة

ورحمة الله وبركاته بسم الله وبالله وما شاء الله
والسّلام على انبياء الله ورسله والسّلام على رسول الله
والسّلام على ابراهيم خليل الله والحمد لله ربّ العالمين
بسم الله وبالله ومن الله والى الله وما شاء الله وعلى
ملّة رسول الله وخير الاسماء لله والحمد لله والسّلام
على رسول الله والسّلام على محمّد بن عبد الله السّلام
عليك ايّها النّبىّ ورحمة الله وبركاته والسّلام على
انبياء الله ورسله السّلام على ابراهيم خليل الرّحمن
السّلام على المرسلين والحمد لله ربّ العالمين السّلام
علينا وعلى عباد الله الصّالحين اللّهمّ صلّ على محمّد
وآل محمّد وبارك على محمّد وآل محمّد وارحم محمّدا وآل

محمد كما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم وآل
ابراهيم انك حميد مجيد اللهم صل على محمد عبدك
ورسولك وعلى ابراهيم خليلك وعلى انبيائك و
رسلك وسلم عليهم وسلام على المرسلين والحمد
لله رب العالمين اللهم افتح لي ابواب رحمتك
واستعملني في طاعتك ومرضاتك واحفظني بحفظ الايمان
ابدا ما ابقيتني جل ثناء وجهك الحمد لله الذي جعلني
من وفده وزواره وجعلني ممن يعمر مساجده
وجعلني ممن يناجيه اللهم عبدك وزائرك
في بيتك وعلى كل مأتي حق لمن اتاه وزاره وانت
خير مأتي واكرم مزور فاسئلك يا الله يا رحمن
بك

بانك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك و
بانك واحد احد صمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا
احد وان محمدا عبدك ورسولك يا جواد يا ماجد يا جبار
يا كريم اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل
تحفتك اياي من زيارتي اياك ان تعطيني فكاك
رقبتي من النار پس سه مرتبه بگوید اللهم فك رقبتي
من النار پس بگوید واوسع علي من رزقك الحلال الطيب
وادرأ عني شر شياطين الجن والانس وشر فسقة
العرب والعجم پس داخل مسجد شود وبگوید بسم الله
وبالله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه وآله پس دستها را
بردارد و روی بکعبه کند و دعا ماثور بخواند اللهم اني اسئلك
وان انت

في مقامي هذا في اول مناسكي ان تقبل توبتي وان
تجاوز عن خطيئتي وتضع عني وزري الحمد لله
الذي بلغني بيته الحرام اللهم اني اشهدك ان
هذا بيتك الحرام الذي جعلته مثابة للناس وامنا
مباركا وهدى للعالمين اللهم العبد عبدك
والبلد بلدك والبيت بيتك جئت اطلب رحمتك
وادوم طاعتك مطيعا لامرك راضيا بقدرك اسئلك
مسئلة الفقير اليك الخائف لعقوبتك اللهم افتح
لي ابواب رحمتك واستعملني بطاعتك ومرضاتك
پس خطاب بكعبه كند وبگويد الحمد لله الذي
عظمك وشرفك وكرمك وجعلك مثابة للناس

وامنا

وامنا مباركا وهدى للعالمين پس چون نظر بحجر الاسود افتد
بايستد ورو بسوى او كند وبگويد الحمد لله الذي هدانا لهذا
وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله سبحان الله و
الحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر من خلقه
والله اكبر مما اخشى واحذر لا اله الا الله وحده
لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويميت
ويحيي وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء
قدير اللهم صل على محمد وال محمد وبارك على محمد
وال محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت على
ابراهيم وال ابراهيم انك حميد مجيد وسلام على
جميع النبيين والمرسلين والحمد لله رب العالمين

اللهم إني أؤمن بوعدك وأصدق رسلك وأتبع

كتابك پس بتأنی روانه شود و گامها را کوتاه بگذارد از

ترس خدا با سرعت در راه رفتن بر وجهی که با سکینه و وقار

منافات نداشته باشد پس چون بنزدیک حجر الاسود رسد

دستها را بردارد و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و صلوات بر پیغمبر

و آل او بفرستد و بگوید اللهم تقبل مني پس دست و رو

و بدن بحجر الاسود بمالد و او را ببوسد و اگر نتواند ببوسید

دست بکشد و دست را ببوسد اگر ممکن باشد و الا اشاره

کند و دعای مأثور را بخواند و دعا اینست اللهم أمانتي

أديتها وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة اللهم

تصديقا بكتابك وعلى سنة نبيك أشهد أن لا إله

الا الله

إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده ورسوله

آمنت بالله وكفرت بالجبت والطاغوت واللات و

العزى وعبادة الشيطان وعبادة كل ند يدعى من

دون الله و اگر نتواند همه را بخواند بعضی را بخواند و بگوید

اللهم إليك بسطت يدي وفيما عندك عظمت رغبتي

فاقبل سبحتي واغفر لي وارحمني اللهم إني أعوذ من

الكفر والفقر ومواقف الخزي في الدنيا والآخرة **مقصد**

دویم در بیان احکام طواف است بدانکه از برای طواف

واجبات است و مستحبات و واجبات طواف چند امر است

اول پاک بودن از حدث اصغر و اکبر باینکه با وضو یا غسل

باشد و با تعذر تیمم کند از برای طواف به نیت وجوب **دویم**

سبحت الطواف

سیم پاک بودن بدن و لباس از نجاساتی که در آن
نماز معفو نیست بلکه مطلقا علی الاحوط چهارم سیم آنکه مرد
ختنه کرده شده باشد حتما و همچنین صبی و خنثی علی الاحوط
چهارم ستر عورتست چنانکه در نماز واجبست پنجم
آنستکه نیت کند که هفت مرتبه دور خانه کعبه میگردم
که در عمره اسلام عمره تمتع واجب قربة الی الله و بهتر
آنستکه رو بحجر الاسود ایستاده نیت کند و باذکر نیت باشد
ششم آنستکه خانه را بطرف چپ بگیرد در اول طواف
تا آخر آن و در اینوقت کی نیت کند و مقارن او روانه شود
بهتر است هفتم آنکه اول جزو بدن را که پیش از همه اجزا
بدن است چون سر انگشت بلند پاها و طرف بینی برابر اول جزء

حجر الاکه

حجر الاسود شود در اول شروع در طواف و بگردد در بدو و رخانه
تا اینکه بهمان جا برسد و ظاهر این است که محاذات عرفی
کافی است و بنا بر عدم کفایت صدق عرفی دور نیست که لازم
باشد که اول جزء بدن را و برابر باشد با منتهای جزء حجر با یقین
که هرگاه دو جزء بهم برسند مقارن باشند نه محاذی هر چند
مقارنت عرفی باشد و لیکن مذکور در بعضی از کتب فقه که
در نظر رسید و صدق عرفی را کافی ندانسته اند محاذات
نه مقارنت و اگر یکطواف بجای آورد بر وجه مقارنت و ثان
طواف را بجای آورد و بعد از این طواف دیگر بجا آورد بر وجه
محاذات با تمام طواف ثانیا بهتر خواهد بود و در جواز تکرار
طواف بدو طریق از باب احتیاط و خروج از عهده یقینیه

بدون فصل بنماز دو وجه است و احوط اجتناب است هشتم
آنستکه در جمیع احوال بسمت مقصد باشد باینطریقکه هیچ
قدمی از طواف را روی بکعبه یا پشت بکعبه نکند یا منحنی
که در حین عبور از رکن شامی در نزد حجر اسمعیل مثلا روی
خود را میل بسمت خانه بدهد که پشت بسمت خانه نشود
و در حین عبور از اواخر حجر عکس کند که روی بسمت خانه
نشود و الا طواف باطل خواهد شد و احوط اینستکه التفات
بجانب راست و چپ نیز نکند نهم آنستکه همه بدن
او از کعبه بیرون باشد و بر روی شاذروان کعبه
که در اصل داخل خانه بوده است راه نرود بلکه هرگاه
مقدار شاذروان را که بعضی بیک ذرع دست تحدید

نموده اند و بتحدید حقیر بمقدار یکذرع و پنج انگشت و نیم
مضموم است در سمتی که سنگ مُوَرَّبًا منصوب است
در سمت حجر اسمعیل و نزد باب بقدر یکذرع تقریبا میباشد
در همه اطراف کعبه ملاحظه کند بهتر است و احوط
آنستکه در وقت طواف کردن دست بدیوار کعبه
نرساند دهم آنستکه طواف را واقع بسازد میان
خانه کعبه و مقام ابراهیم که سنگی است که موضع
قدم آنحضرت است نه دیوار و شبکه که بر دور آن
سنگ است و آنرا بعضی بمقدار بیست و شش ذراع
دست تحدید نموده اند و این مسافت را در همه اطراف
ملاحظه باید کرد و احوط آنستکه حجر را داخل این مسافت

یعنی آنستکه حجر اسمعیل را داخل طواف کند باینکه دور حجر نیز بگردد هرچند جزء خانه نیست

اعتبار کند بانیکه در سمت حجر اینمسافت را بعد از او
حساب نکند و چون طول مسافت حجر اسمعیل نوزده ذراع
چیزی است و قطر دیوار حجر سه ذراع چیزی بالا میباشد
که مجموع بیست و دو ذراع میباشد و طول مطاف تا
پنجره مقام ابراهیم بیست و پنج ذراع و نیم است پس مطاف
در سمت منتهای حجر اسمعیل که برابر ناودان طلاست
بسیار کم خواهد بود زیرا که مقدار دو ذراع و نیم تخمینا
میباشد پس باید مکلف متوجه باشد که از این مقدار
خارج نشود دوازدهم آنستکه طواف را ختم کند و
انتها رساند بهمانجا که ابتدا کرده است بدون زیاده
و کم و ظاهر آنستکه در اینمقام نیز صدق عرفی کافیست

بل هر گاه صدق حقیقی ممکن باشد احوط و اولی است
و هر گاه در شوط آخر قلیلی از حجر بگذرد از باب مقدمه
با این نیت که آنقدری که برابر حجر بود آخر طواف او باشد
شاید اولی باشد چنانکه میرزا تصریح کرده اند سیزدهم
آنستکه هفت شوط بجای آورد که هر یک عبارتست
از گردیدن دور خانه از حجر الاسود تا حجر الاسود بدون
زیاده و کم هر چند بمقدار یک قدم باشد و شرط است
که چهار شوط متصل باشد و فاصله میان آنها نباشد
هر چند اضطرارا باشد بلی بعد از تمام چهار شوط میتواند
در حال ضرورت قطع کند و مکان قطع را تعیین کند
و باقی را بعد از ارتفاع مانع بجای آورد و بدون ضرورت جائز نیست

نیت چهاردهم آنستکه دو رکعت نماز طواف بجای آورد
بعد از تمام شدن آن در پشت مقام حضرت ابراهیم در صورت
ازدحام ومنع آن از پشت مقام وظاهر او در طرف راست وچپ
او جایز است ولکن باید سر او در حال سجود از آن سنگ
بیرون نرود که داخل محل طواف شود بلکه اولی اینستکه
سر او از جزو آخر آن نیز بیشتر نرود ولیکن هر گاه پشت سنگ
که نزدیک بآن باشد نماز کند اولی خواهد بود ودر حال ضرورت
وخوف فوت وقت دورتر نیز جایز است واذان واقامه در این
نماز نیست ومثل نماز صبح باید بجای آورد ونیت کند که
دو رکعت نماز طواف بجای می آورم در عمره اسلام عمره
تمتع واجب قربة الی الله ومخیر است میان جهر واخفات

> چنانکه در نماز طواف مستحب دور توسط جایز است

مستحبات

ومستحبات احرام اینستکه نزدیک بخانه طواف کند ودر حال
طواف دعای ماثور را بخواند وسوره قدر را بخواند وذکر خدا
کند وبا وقار باشد در راه رفتن ودعا اینست اللهم انی
اسئلک باسمک الذی یمشی به علی ظلل الماء کما یمشی به علی
جدد الارض واسئلک باسمک الذی یهتز له ارکان عرشک
واسئلک باسمک الذی یهتز له اقدام ملائکتک و
اسئلک باسمک الذی دعاک به موسی من جانب الطور
فاستجبت له والقیت علیه محبة منک واسئلک
باسمک الذی غفرت به لمحمد ص ما تقدم من ذنبه وما
تاخر واتممت علیه نعمتک ان تفعل بی کذا وکذا
وحاجت خود را طلبد وکامهارا تنک بگذارد در حال طواف

ودعای اینست طلب (marginal addition)

وچون بدر خانه کعبه رسد دعای ماثور را بخواند

سائلک فقیرک مسکینک ببابک فتصدق علیه

بالجنة : اللهم البیت بیتک والحرم حرمک والعبد

عبدک وهذا مقام العائذ بک المستجیر بک من النار

فاعتقنی ووالدی واهلی وولدی واخوانی المؤمنین

من النار یا جواد یا کریم وهر وقتکه بدر خانه برسد

صلوات بر محمد وآل او بفرستد وهمچنین سایر اعمال ودعاها

ماثوره را در رسیدن بحجر اسمعیل ورکن یمانی وما بین رکن (above the line: در حین)

یمانی وما بین رکن وحجر الاسود را بعمل آورد وهمه ارکان را

در بر گیرد خصوصا رکن عراق ورکن یمانی را که بعضی

دست مالیدن رکن یمانی را واجب دانسته اند ودر علو

که در حین رسیدن بحجر اسمعیل باید خواند اینست که

بحجر اسمعیل رسد سر بر دارد ونگاه بناودان طلا کند

وبگوید اللهم ادخلنی الجنة واجرنی من النار برحمتک

وعافنی من السقم واوسع علی من الرزق الحلال وادرا

عنی شر فسقة الجن والانس وشر فسقة العرب

والعجم وچون از حجر بگذرد وبپشت کعبه رسد بگوید یا

ذا المن والطول والجود والکرم ان عملی ضعیف فضاعفه

لی وتقبله منی انک انت السمیع العلیم وچون برکن

یمانی رسد دست بر دارد وبگوید یا الله یا ولی العافیة

وخالق العافیة ورازق العافیة والمنعم بالعافیة

والمنان بالعافیة والمتفضل بالعافیة علی وعلی جمیع

بخانـ‌ـك یا رحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما صلّ علی محمّد

وآل محمّد وارزقنا العافیة وتمام العافیة وشکر

العافیة فی الدنیا والآخرة یا ارحم الراحمین پس

بجانب بالا کند وبگوید الحمد لله الّذی شرّفك و

عظّمك والحمد لله الّذی بعث محمّداً نبیّاً وجعل

علیّاً اماماً اللّهمّ اهد له خیار خلقك وجنّبه شرار

خلقك وچون به میانه رکن یمانی وحجر الاسود رسد

بگوید ربّنا آتنا فی الدّنیا حسنةً وفی الآخرة حسنةً

وقنا عذاب النّار ودر حال طواف بگوید اللّهمّ

انّی فقیرٌ وانّی خائفٌ مستجیرٌ فلا تغیّر جسمی ولا الیك

تبدّل اسمی وچون در شوط هفتم بمستجار برسد

وآن پشت

وآن پشت کعبه نزدیك برکن یمانی برابر در خانه است بایستد

ودستهای خود را بگشاید وروی وشکم خود را بکعبه

بچسباند ودعای مأثور را بخواند وآن این است اللّهمّ البیت

بیتك والعبد عبدك وهذا مقام العائذ بك من

النّار اللّهمّ من قبلك الرّوح والفرج والعافیة اللّهمّ

انّ عملی ضعیفٌ فضاعفه لی واغفر لی ما اطّلعت علیه

منّی وخفی علی خلقك استجیر بالله وبگوید اللّهمّ انّ عندی

افواجاً من ذنوبٍ وافواجاً من خطایای وعندك افواجٌ

من رحمةٍ وافواجٌ من مغفرةٍ یا من استجاب لابغض

خلقه الیه اذ قال انظرنی الی یوم یبعثون استجب

لی پس حاجات خود را طلبد واقرار کند بگناهان خود

اجمالا و تفصیلا و طلب آمرزش کند که محل اجابت است و موضع

طواف را در این احوال تعیین کند که زیاده و کم نشود بلکه

بهتر آنستکه کسی که از خود خاطر جمع نیست در طواف

واجب این اعمال را نکند و در طواف مستحب بجای آورد

و در رکعت اول نماز طواف قل هو الله بخواند و در رکعت

دویم قل یا ایها الکافرون و بعد از سلام حمد و ثنای الهی بجا

آورد و صلوات بر محمد و آل او بفرستد و دعای ماثور را بخواند

و آن این است اللّهمّ تقبّل منّی و لا تجعله آخر العهد

منّی الحمد لله بمحامده کلّها علی نعمائه کلّها حتّی ینتهی الحمد

الی ما یحبّ ربّی و یرضی اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد

و تقبّل منّی و زکّ عملی پس بگوید اللّهمّ ارحم بطوعتی ایّاک

وطواعیة

و طواعیتی رسولک صلّی الله علیه و آله اللّهمّ جنّبنی

ان اتعدّی حدودک و اجعلنی ممّن یحبّک و یحبّ

رسولک صلّی الله علیه و آله و ملائکتک و عبادک

الصّالحین پس بسجده رود و بگوید سجد لک وجهی

تعبّدا و رقّا و لا اله الّا الله حقّا حقّا الاوّل قبل

کلّ حیّ و الآخر بعد کلّ شیء و ها انا ذا بین یدیک

ناصیتی بیدک فاغفر لی انّه لا یغفر الذّنب العظیم

غیرک فاغفر لی فانّی مقرّ بذنوبی علی نفسی و لا

یدفع الذّنب العظیم غیرک پس برود بحجر الاسود

بیاید و دست و بدن خود را بر آن بمالد و ببوسد و اگر

نتواند همان دست بمالد و اگر این را نیز نتواند اشاره کند

وادعیه سابقه را نیز بخواند و باید دانست که حرام است که
عرقچین بلند که در قدیم متعارف بود بر سر گذارد
و مکروه است که در اثنای طواف حرف بزند بغیر از ذکر
و قرآن و دعا و صلوات بر پیغمبر و آل او و چون از طواف فارغ
شد مشغول بسعی شود **مقصد سیم** در بیان احکام سعی میان
صفا و مروه و تقصیر است و در این مقصد دو فصل است — باب السعی
فصل اول در بیان واجبات و آن چند امر است
اول آنستکه در پایین کوه صفا پاشنه پای خود را بکوه
بچسباند و نیت کند که هفت شوط سعی میان صفا
و مروه بجای می آورم در عمره اسلام عمره تمتع واجب قربة
الی الله و در حکم آن باقی بماند تا فارغ شدن از هفت شوط

دویم

دویم آنستکه هفت شوط بجای آورد میان صفا و مروه
از رفتن و برگشتن بدون زیاده و کم **سیم** آنستکه ابتدا
از صفا کند و ختم کند بمروه و رفتن از صفا و مروه را یک شوط
حساب کند و برگشتن از مروه و صفا را شوط دیگر حساب
کند و همچنین تا هفت شوط تمام شود **چهارم** آنکه بطریق
معهود متعارف رود **پنجم** آنکه روی بجانب مقصد رود
و پشت بدیگری و باید متوجه باشد که خلاف این نشود
بسبب انحراف و نحو آن خصوصا در ابتدای صفا که پاشنه
پا را بپله می چسبانند و روی بسمت مسجد الحرام میشود و دوش
راست بسمت مروه میشود پس باید بطوری بکند که اول
حرکت او بسمت مروه باشد و نحو آن و بر پشت طی مسافت

نکند و رو بطرف راست و چپ کردن ضرر ندارد و افضل
آنست که پیاده برود و میان منارهٔ اول و دویم هروله
کند یعنی تند برود مانند دویدن شتر و کرک و چون
از منارهٔ دویم بگذرد بآرام رود تا بمروه و هرگاه هروله را
فراموش کند از پس برگردد تا بمحل آن و هروله را بجای
آورد و اگر سواره باشد در محل هروله مرکب خود را تند کند
و بر زنان هروله نیست **ششم** آنستکه بعد از تمام
شدن سعی تقصیر کند باین نیت که تقصیر میکنم از جهة
محل شدن از عمرهٔ تمتع عمرهٔ اسلام واجب قربة الی الله پس جدا
کند از خود چیزی از اجزاء بدن را چون موی سر و ریش
و شارب و ناخن بمقراض و مانند آن و از هر یک قدری کوتاه

سنت است

سنت است و در این هنگام حلال میشود بر او جمیع چیزها
که حرام بود مگر سر تراشیدن **فصل دویم** در بیان مستحبات
بدانکه سنت است که در وقت متوجه شدن بسعی
بنزدیک حجر الاسود رود و آن را ببوسد و بدن و دستها را
بآن بمالد یا اشاره کند و از آب زمزم بخورد و در وقت آب
خوردن بگوید: اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً وَرِزْقاً
واسِعاً وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ و سنت است که خود
یک دلو یا دو دلو آب بکشد از دلوی که مقابل حجر الاسود
است و بر سر و پشت و شکم خود بریزد و همان دعا را
بخواند و باز بنزدیک حجر الاسود آید و مثل اول کند
پس متوجه کوه صفا شود و از میان دو ستونی که باب

قرمزی

العصنا در آنجاست بیرون بیاید و از آن دری که محاذی
حجر الاسود است بیرون رود با آرام تن و دل برود تا بالای
کوه صفا تا نظر کند بخانهٔ کعبه و روبرکن عراق کند
و حمد و ثنای الهی را بجای آورد و نعمتهای الهی را بشمارد
پس ادعیهٔ ماثوره را بخواند و آن این است هفت نوبت
الله اکبر بگوید و هفت نوبت الحمد لله و هفت نوبت لا اله
الا الله بگوید و سه نوبت بگوید لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و یمیت
و یحیی و هو حیّ لا یموت بیده الخیر و هو علی کلّ
شیءٍ قدیر پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بگوید
سه نوبت بگوید الله اکبر علی ما هدینا والحمد لله

علی

علی ما اولنا والحمد لله الحیّ القیوم والحمد لله الحیّ
الدائم و سه نوبت بگوید اشهد ان لا اله الا الله
واشهد ان محمداً عبده ورسوله لا نعبد الا ایاه
مخلصین له الدین ولو کره المشرکون و سه نوبت بگوید
اللهم انی اسئلک العفو والعافیة والیقین
فی الدنیا والآخرة پس سه نوبت بگوید اللهم آتنا
فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب
النار پس صد نوبت الله اکبر و صد نوبت لا اله
الا الله و صد نوبت الحمد لله و صد نوبت سبحان الله بگوید
پس بگوید لا اله الا الله وحده وحده وانجز
وعده ونصر عبده وغلب الاحزاب وحده

فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِى فِى

الْمَوْتِ وَفِى مَا بَعْدَ الْمَوْتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَعُوذُ بِكَ

مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ اَللّٰهُمَّ اَظِلَّنِى فِى ظِلِّ

عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّكَ و سیار بگوید

اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ الَّذِى لَا يُضِيعُ وَدَائِعَهُ

دِينِى وَنَفْسِى وَاَهْلِى اَللّٰهُمَّ اسْتَعْمِلْنِى عَلَى كِتَابِكَ وَ

سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِى عَلَى مِلَّتِهِ اَعِذْنِى مِنَ الْفِتْنَةِ

پس سه نوبت بگوید اَللّٰهُ اَكْبَرُ پس دو نوبت مجموع عمل را

اعاده کند و اگر همه را نتواند بعضی از آنرا اعاده کند

و مستحب است که بعد از بالا رفتن بصفا روی خود را

بکعبه بکند و دستها را بالا کند و این دعا بخواند

و آن

پس یکنوبت دیگر الله اکبر بگوید پس یکنوبت دعا بگوید پس جمیع این عمل را اعاده کند صح

و آن این است اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِى كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ قَطُّ

فَاِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَىَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَاِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ

الرَّحِيمُ اَللّٰهُمَّ افْعَلْ بِى مَا اَنْتَ اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اِنْ

تَفْعَلْ بِى مَا اَنْتَ اَهْلُهُ تَرْحَمْنِى وَاِنْ تُعَذِّبْنِى فَاَنْتَ

غَنِىٌّ عَنْ عَذَابِى وَاَنَا مُحْتَاجٌ اِلَى رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ

اَنَا مُحْتَاجٌ اِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِى اَللّٰهُمَّ وَلَا تَفْعَلْ بِى

مَا اَنَا اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اِنْ تَفْعَلْ بِى مَا اَنَا اَهْلُهُ

تُعَذِّبْنِى وَلَمْ تَظْلِمْنِى اَصْبَحْتُ اَتَّقِى عَدْلَكَ وَلَا اَخَافُ

جَوْرَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُوزُ ارْحَمْنِى پس بگوید يَا مَنْ

لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَاَعِذْنِى مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ و طول مکث در صفا

باعث زیاد شدن مال است و بالا رفتن بصفا و مروه
واجب نیست ولیکن اگر در پله چهارم نیت کند و در پایین
تجدید نیت کند بهتر است و در پله چهارم رو بکعبه کند
و این دعا را بخواند اللهم انی اعوذ بک من عذاب
القبر و فتنته و غربته و وحشته و ظلمته و ضیقه
و ضنکه اللهم اظلنی فی ظل عرشک یوم لا ظل الا
ظلک پس پایین آید و پشت خود را برهنه کند و بگوید
یا رب العفو یا من امر بالعفو یا من اعلی بالعفو
یا من یثیب علی العفو العفو العفو العفو یا جواد
یا کریم یا قریب یا بعید اردد علی نعمتک و استعملنی
بطاعتک و مرضاتک و سعی کند در گریه کردن و دعا

بسیار

بسیار کند و دعاهای ماثوره در حال سعی و هر جایی را
بخواند و دعا اینست اللهم انی اسئلک حسن الظن
بک علی کل حال و صدق النیة فی التوکل علیک
و در حال هروله یعنی تند رفتن میان مناره اول و کوچه
عطاران این دعا را بخواند بسم الله و بالله و الله
اکبر و صلی الله علی محمد و اهل بیته اللهم اغفر لی
و ارحم و تجاوز عما تعلم و انت الاعز الاکرم
و اهدنی للتی هی اقوم اللهم ان عملی ضعیف
فضاعفه لی و تقبل منی اللهم لک سعیی و بک
حولی و قوتی تقبل منی یا من یقبل عمل المتقین
و چون از محل تند رفتن بگذرد بگوید یا ذا المن

وَالفَضْلِ وَالكَرَمِ وَالنَّعْماءِ وَالجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي
اِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلّا اَنْتَ يا كَرِيمُ و در حال شوط
این دعا را نیز بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَاللهُ اَكْبَرُ
وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِهِ اَللّهُمَّ اغْفِرْ
لِي وَارْحَمْ وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ وَاَنْتَ الاَعَزُّ الاَكْرَمُ
و سنت است که بر کوه مروه بالا رود و دعاهای صفا را
بخواند و بگوید یا مَنْ اَمَرَ بِالعَفْوِ یا مَنْ یَجْزِی عَلَی العَفْوِ
یا مَنْ دَلَّ عَلَی العَفْوِ یا مَنْ زَیَّنَ العَفْوَ یا مَنْ یُثِیبُ
عَلَی العَفْوِ یا مَنْ یُحِبُّ العَفْوَ یا مَنْ یُعْطِی عَلَی العَفْوِ
یا مَنْ یَعْفُو عَلَی العَفْوِ یا رَبَّ العَفْوِ العَفْوَ العَفْوَ العَفْوَ
و چون سعی را تمام کند تقصیر کند یعنی ناخن یا موی ریش
خود را

خود را کم کند باین نیّت که تقصیر میکنم از جهة محلّ
شدن از عمره تمتّع عمرهٔ اسلام واجب قربةً الی الله و
سنت است که بعد از تقصیر شبیه بمحرمان باشد و
رخت دوخته نپوشد تا احرام حج گیرد **مقصد چهارم**
در بیان احکام حج تمتّع است بدانکه واجب است بر
مکلّف بعد از تقصیر چند امر اول احرام بحجّ تمتع گرفتن
در مکّه که افضل مواضع آن مقام ابراهیم یا زیر
ناودان طلاست و بعد از او سایر مواضع مسجد الحرام
است و حایض و نفسا در بیرون مسجد احرام میگیرند
و افضل اوقات ساختن آنست در روز هشتم ذی الحجّه
بعد از نماز ظهرین و هرگاه وقت نماز ظهرین نباشد

بعد از دو رکعت نافله احرام حج تمتع حج اسلام واقع
بسازد و واجب است در احرام که نیت کند که
دو جامه احرام میپوشم در حج اسلام حج تمتع واجب
قربة الی الله و بهتر آنستکه اول نیت کند که حج
اسلام حج تمتع بجای آورم واجب قربة الی الله و بعد
بلا فاصله نیت احرام بکند که احرام حج الاسلام حج تمتع
بجای می آورم و تلبیات اربع میکویم از جهة عقد این
احرام واجب قربة الی الله پس تلبیه بکوید و احوط
آنستکه مقارن بکوید و بهتر آنستکه زن آهسته
بکوید و کیفیت تلبیات اربع و احکام و واجبات
احرام چنانست که کذشت و بهتر آنستکه قبل

از نیت

از نیت این دعا را بخواند اللهم انی ارید الحج فیسره لی
وحلنی حیث حبستنی لقدرك الذی قدرت علی
و بکوید احرم لك شعری وبشری ولحمی ودمی من النساء
والثیاب والطیب ارید بذلك وجهك والدار الآخرة
وحلنی حیث حبستنی لقدرك الذی قدرت علی
و بهتر آنستکه در احرام این دعا را بخواند لا اله الا الله
الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله
رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما
فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم والحمد لله رب
العالمین اللهم انی اسئلك ان تجعلنی ممن استجاب
لك وآمن بوعدك واتبع کتابك وامرك فانی

عبدك وفي قبضتك لا أوفي إلا ما وفيت ولا أخذ
إلا ما أعطيت اللهم إني أريد ما أمرت به من الحج
على كتابك وسنة نبيك صلواتك عليه وآله فقوني
على ما ضعفت عنه ويسر لي وتقبله وتسلم
مني مناسكي في يسر منك وعافية واجعلني
من وفدك وحجاج بيتك الذين رضيت عنهم
وارتضيت وسميت وكتبت اللهم أرزقني قضاء
مناسكي في يسر منك وعافية وأعني عليه
وتقبله مني اللهم وإن عرض لي عارض يحبسني
فحلني حيث حبستني لقدرك الذي قدرت
علي وأصرف عني سوء القضاء وسوء القدر

احرم

أحرم لك وجهي وشعري وبشري ولحمي ودمي ومخي
وعظامي وعصبي من النساء والطيب والثياب
أريد بذلك وجهك الكريم والدار الآخرة دوم
آنکه بعد از احرام وخروج از مکه از برای وقوف
عرفات ومشعر بروجه استحباب متوجه منی شود
با آرام وذکر وتسبیح وتهلیل وادعیه مأثوره وطریقه
اینست که چون متوجه منی شود بگوید اللهم إياك
أرجو وإياك أدعو فبلغني أملي وأصلح لي
عملي وچون بمنی رسد بگوید الحمد لله الذي أقدمنيها
صالحا في عافية وبلغني هذا المكان پس بگوید
اللهم هذه منى وهي مما مننت به علينا من

المناسک فأسئلک أن تمنّ علیّ بما مننت به علی
أنبیائک فإنّما أنا عبدک وفی قبضتک و شب
عرفه را در منی در مسجد خیف بماند تا صبح و بعضی بیرون
رفتن پیش از صبح را حرام دانسته اند و بعد از طلوع
آفتاب روانه عرفات بشود و بگوید اللهمّ إلیک
صمدت وإیّاک اعتمدت ووجهک أردت أسئلک
أن تبارک لی فی رحلی وأن تقضی لی حاجتی وأن
تجعلنی ممّن تباهی به الیوم من هو أفضل منّی و روانه
شود و لبیک بگوید تا بعرفات و چون بعرفات رسد
قطع تکبیر نماید و از ابتداء ظهر تا غروب آفتاب بلکه
تا زوال الحمرة مشرقیه در عرفات توقف کند بانیت

وجوب

وجوب باین طریق که توقف میکنم در عرفات از حال
تا غروب آفتاب در حج اسلام حج تمتّع واجب قربة
الی الله و احوط آنستکه پیش از مقدار غسل و نماز
ظهرین در خارج عرفات نماند بلکه از اول ظهر تا غروب
بماند بهتر است هر چند هر گاه قدری از آخر روز تا غروب
بماند ظاهرا کافی باشد چنانکه هر گاه وقوف در روز
که وقوف اختیاری است ممکن نشود و بماند که قبل
از طلوع آفتاب درک مشعر الحرام میکند مجزی است
که در شب عید در عرفات توقف کند هر چند قلیلی
باشد و سنّت است که در وقت ظهر غسل کند و
اسباب خود را جمع کند و اسباب تشویش را دور کند

ظهر این را بیک اذان و اقامه بجای آورد و در میان کوه
در سمت چپ نسبت بکسی که از مکه می آید در همواری
وقوف کند و روی بقبله کند و دل خود را متوجه
حق تعالی سازد و حمد و ثنای الهی بجای آورد و تمجید و
تهلیل بکند و هر یک از الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله
و لا اله الا الله را صد نوبت بگوید و آیة الکرسی صد
نوبت بخواند و صلوات بر پیغمبر و آل او صد نوبت بفرستد
و انا انزلناه صد نوبت بخواند و صد مرتبه قل هو الله
احد را بخواند و سعی در تضرع و دعا از برای خود و خویشان
و برادران بکند و ادعیه ماثوره را بخواند خصوصاً
دعای سید الشهدا و سید الساجدین که در صحیفه مذکور است

و سید

و سید الصادقین و آنها این ادعیه هستند و بعد از آن
بگوید اللّهمّ انّی عبدک فلا تجعلنی من اخیب
وفدک وارحم مسیری الیک من الفجّ العمیق اللّهمّ
ربّ المشاعر کلّها فکّ رقبتی من النّار واوسع علیّ
من رزقک الحلال وادرأ عنّی شرّ فسقة الجنّ
والانس اللّهمّ لا تمکر بی ولا تخدعنی ولا تستدرجنی
اللّهمّ انّی اسئلک بحولک وجودک وکرمک و
منّک وفضلک یا اسمع السّامعین ویا ابصر
النّاظرین ویا اسرع الحاسبین ویا ارحم الرّاحمین
ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تفعل بی کذا وکذا
و حاجت خود را ذکر کند بس دست بجانب آسمان بدارد

بكويد اللهم حاجتي إليك التي إن أعطيتنيها لم
يضرني ما منعتني والتي إن منعتنيها لم ينفعني
ما أعطيتني أسألك خلاص رقبتي من النار اللهم
إني عبدك وملك يديك ناصيتي بيدك وأجلي
بعلمك أسألك أن توفقني لما يرضيك عني وأن
تسلم مني مناسكي التي أريتها خليلك ابراهيم
صلوات الله عليه ودللت عليها نبيك محمدا
صلى الله عليه وآله اللهم اجعلني ممن رضيت
عمله وأطلت عمره وأحييته بعد الموت حيوة
طيبة پس بكويد لا إله إلا الله وحده لا شريك
له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت

بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم لك الحمد
كالذي تقول وخيرا مما نقول وفوق ما يقول القائلون
اللهم لك صلوتي ونسكي ومحياي ومماتي ولك
تراثي وبك حولي ومنك قوتي اللهم إني أعوذ
بك من الفقر ومن وسواس الصدر ومن شتات
الأمر ومن عذاب القبر اللهم إني أسألك خيرا [لرياح]
وأعوذ بك من شر ما تجيء به الرياح أسألك
خير الليل وخير النهار اللهم اجعل في قبري نورا
وفي سمعي نورا وبصري نورا وفي قلبي ولحمي ودمي
وعظامي وعروقي ومقعدي ومقامي ومدخلي
ومخرجي نورا وأعظم لي نورا يا رب يوم ألقاك.

إنك على كل شيء قدير و صد بار بگوید ما شاء الله
لا قوة إلا بالله و صد بار بگوید أشهد أن لا إله
إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي
و يميت و يميت و يحيي و هو حي لا يموت بيده الخير
و هو على كل شيء قدير پس ده آیه اول سوره بقره را
بخواند تا ولهم عذاب أليم بما كانوا يكذبون و سه بار
قل هو الله احد را بخواند و آية الكرسي بخواند و آیه سخره
بخواند پس معوذتین را بخواند و بگوید اللهم لك الحمد
على نعمائك التي لا تحصى بعدد و لا تكافى بعمل پس با
صلوات بفرستد و بگوید یا الله یا رحمن بجل اسم هو لك
و أسألك بقوتك و قدرتك و عزتك و جميع ما

احاط

ما أحاط به علمك و بآئك كلها و بحق رسولك
صلواتك عليه و آله و باسمك الأكبر الأكبر الأكبر
و باسمك الذي من دعاك به كان حقا عليك أن
لا ترده و أن تعطيه ما سأل أن تغفر لي جميع
ذنوبي في جميع علمك في و حاجت خود را بخواهد و هفتاد
مرتبه استغفر الله ربي و أتوب إليه بگوید و دعاي
توبه حضرت آدم را بخواند و آن این است سبحانك
اللهم و بحمدك لا إله إلا أنت عملت سوء و ظلمت
نفسي و اعترفت بذنبي فاغفر لي إنك أنت خير
الغافرين سبحانك اللهم و بحمدك لا إله إلا أنت
عملت سوء و ظلمت نفسي فاغفر لي إنك أنت خير الغافرين

سبحانك اللهم وبحمدك لا اله الا انت عملت سوءً
وظلمت نفسی واعترفت بذنبی فاغفر لی انك
انت التواب الرحیم و چون آفتاب غروب کند بگوید
اللهم تا آخر **سیم** آنستکه چون آفتاب غروب
کند روانهٔ مشعر الحرام شود و شب را در مشعر بروز
آورد بنیت وجوب باینطریق که شب بروز می آورم
در مشعر الحرام در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله
واگر بقصد قربت تنها اکتفا کند بد نیست و چون صبح
شود نیت کند که وقوف میکنم در مشعر تا طلوع آفتاب
در حج اسلام تمتع واجب قربة الی الله و وقت اضطراری
مشعر از طلوع آفتاب است تا ظهر روز عید **فصل**

سنت است

سنت است که در وقت روانه شدن از عرفات بسمت
مشعر با آرام تن و دل باشد و ادعیهٔ ماثوره را در وقت
رسیدن بتل سرخ و غیر آن بخواند و دعا این است
اللهم ارحم موقفی و زد فی عملی و سلم لی دینی
وتقبل مناسکی و غسل بکند و با وضو باشد
وایستاده با حضور قلب دعا بخواند و نو حاجی پای
خود را بر مشعر بگذارد در مشعر در شب هفتاد
سنگ ریزه که بزرگ نباشد و از جنس کلوخ و ریگ
و گچ و مانند اینها نباشد و از حرم باشد و بکر باشد بلکه
علی الاستحباب نرم و از زمین برچیده نه شکسته شده
از گوشه سنگ باشد و سفید و سرخ و سیاه نباشد

وبقطه دار وبقدر سر انکشت باشد از برای رمی
جمره برچیند وچون آفتاب برکوه بثیر تابد اعتراف
بکناهان خود بکند وهفت نوبت استغفار کند
واین دعا بخواند اللّهمّ انّی اسئلک ان تجمع لی فیها
جوامع الخیر اللّهمّ لا تؤیسنی من الخیر الّذی
سألتک ان تجمعه لی فی قلبه ثمّ اطلب الیک ان
تعرّفنی ما عرّفت اولیائک فی منزلی هذا وان تقینی
جوامع الشرّ وصلوات بر محمّد وآل او بفرستد وبکوید
اللّهمّ ربّ المشعر الحرام فکّ رقبتی من النّار واوسع
علیّ من رزقک الحلال وادرأ عنّی شرّ فسقة الجنّ
والانس اللّهمّ انت خیر مطلوب الیه وخیر مدعوّ

وخیر

وخیر مسئول ولکلّ وافد جائزة فاجعل جائزتی فی موطنی
هذا ان تقیلنی عثرتی وتقبل معذرتی وان تجاوز
عن خطیئتی ثمّ اجعل التّقوی من الدّنیا زادی و
اقبلنی مفلحا منجحا مستجابا بافضل ما یرجع به احد
من وفدک وحجّاج بیتک الحرام ودعای بسیار کند
از برای پدر ومادر وبرادران مؤمن خود چهارم
آنستکه چون روز عید قربان شود وآفتاب طالع
شود روانه بسمت منی بشود وچون بوادی محسّر
هروله کند واین دعا بخواند اللّهمّ سلّم عهدی
واقبل توبتی واجب دعوتی واخلفنی فیمن ترکت
بعدی ربّ اغفر وارحم وتجاوز عمّا تعلم انّک انت

الاعز الاجل الاکرم و چون داخل منی شود و منزلی
گرفت بگوید اللهم هذه منی و هی مما مننت به
علینا من المناسک فاسئلک ان تمن علی
بما مننت به علی اولیائک فانما انا عبدک و فی
قبضتک پس رمی جمرهٔ عقبه را که از همه جمرات
بمکه نزدیکتر است بکند یعنی هفت سنگ ریزه بزند با نیت
مقارن بانداختن اول و باقی ماندن بر حکم آن تا آخر با نیت
که قصد کند که این جمره را هفت سنگ ریزه میزنم
در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و باید که هر یکرا
جداگانه بزند و بر خورد هر چند بعد از زمین خوردن
باشد و اگر هیچ بر نخورد سنگ دیگر بیندازد که بر خورد

وهمچنین

وهمچنین اگر شک کند علی اختلاف و سنتست که مکلف
در وقت انداختن سنگ با وضو باشد و دعای تا آخر را
بخواند و دعا این است اللهم هؤلاء حصیاتی فاحصهن
لی وارفعهن فی عملی و با هر سنگ که اندازد این دعا بخواند
الله اکبر اللهم ادحر عنی الشیطان اللهم تصدیقا
بکتابک و علی سنة نبیک صلی الله علیه و آله
اللهم اجعله حجا مبرورا و عملا مقبولا و سعیا
مشکورا و ذنبا مغفورا و ده ذراع یا پانزده ذراع
دور تر بایستد و سنگ ریزه را بدست چپ نگاه بدارد
و بدست راست بیندازد و پشت بقبله باشد و پیاده باشد
و سنگ ریزه را بر شکم انگشت بزرگ بگذارد و بناخن

انگشت شهادت با انگشت میانین بیندازد و چون فارغ
شود بجای خود برگردد و بگوید اَللّٰهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَ
عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيرُ

فصل چون از رمی فارغ شود واجب است در روز
عید پیش از سر تراشیدن در منی قربانی کردن بانفراده
یعنی نحر شتر یا ذبح گاو و گوسفند باین نیت که ذبح میکنم
این هدی را یا نحر میکنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة
الی الله و باید شتر پای در سال ششم باشد و گاو و بز
در سال دویم و گوسفند در ماه هشتم علی الاحوط
و باید که ناقص و معیوب و مغصوب و بریده عضو و لاغر
و کور یک چشم یا هر دو چشم و لنگ و آزار مار دار و

بسیار

بسیار پیر و شاخ زیری شکسته نباشد و شکسته بودن
شاخ ظاهر و شکافته بودن گوش و سوراخ آن بدون افتادن
چیزی و بجیدن خصیه و کوبیدن آن ضرر ندارد هر چند
عدم اینها اولی است و سنت است که بسیار چاق باشند
و در روز عرفه بعرفات برده باشند و میش و بز باشند
و گاو و شتر ماده باشند و خود مباشر نحر و ذبح بشود و هر گاه
نتواند دست خود بر دست قصاب بگذارد و نیت کند
بوجه اعانت و دعای توجه را بخواند وَجَّهْتُ وَجْهِيَ
لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا
مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلٰوتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ

وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ
اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي و بعد اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بگوید و ذبح
یا نحر کند و بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ بگوید و بعد از ذبح
اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي بگوید و گوشت را سه قسمت کند
یک حصه را از برای خود قرار دهد و از آن قدری بخورد
با نیت قربت و یک حصه را بفقراء تصدق کند و ثلث
دیگر را هدیه بفرستد برای مؤمن دیگر که قانع باشد
یا معتر یعنی از صاحب هدیه غنی تر **فصل** چون از قربانی
فارغ شود واجب است بر مردان سر تراشیدن یا چیزی
از مو و ناخن گرفتن بر وجه تخییر و سر تراشیدن
افضل است خصوصا از برای نو حاجی که احوط نیز هست

الحلق

و همچنین کسی که موی خود را بصمغ یا عسل یا مثل اینها
مالیده باشد از ترس شپش و چرک که از برای اینها قول
بوجوب آنست و جمع اولی است چنانکه بر زنان حلق
نیست بلکه تقصیر واجب است و جمع میان گرفتن ناخن
و کم کردن از مو اولی است و باید که نیت کنند که سر
میتراشم یا تقصیر میکنم از جهة محل شدن از احرام حج
تمتع واجب قربة الی الله بلکه هرگاه دلاک نیز نیت کند
بهتر است و سنت است که در آن وقت رو بقبله باشد
و ابتدا بجانب راست پیش سر کند و بگوید اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي
بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ و موی سر را در منی دفن کند
و احوط آنست که تمام سر را تراشد و در صورت تقصیر

از اطراف سر و ریش و شارب موی بگیرد و ناخنها را بگیرد
و هرگاه سر تراشیده باشد در تقصیر قصد قربت یا
استحباب کند و چون سر تراشید یا تقصیر کرد همه چیز
بر او حلال میشود بغیر زن و بوی خوش و صید حرم پنجم
آنستکه چون از اعمال منی فارغ شد در روز عید مع
الاختیار و در روز دویم آن مع عدم الاختیار باید بمکه
بیاید از برای طواف حج که آنرا طواف زیارت نیز میگویند
بطریق طواف عمره با نیّت وجوب و نماز طواف بر وجه
مذکور و سعی میان صفا و مروه بطور مسطور و طواف
نسا و نماز آن و کیفیت آن در چند فصل است اول — طواف نسا
آنستکه چون داخل مکه شود بر وجه استحباب غسل کند

و ناخنها و شارب را بگیرد و متوجه مسجد الحرام شود و
با ذکر و تمجید و تحمید الهی و تعظیم و صلوات بر پیغمبر و آل او و
دعای مأثور را وقت رسیدن بدر مسجد بخواند و آن
این است اَللّٰهُمَّ اَعِنِّی عَلٰی نُسُکِی وَسَلِّمْنِی لَهُ وَسَلِّمْهُ لِی
وَاَسْئَلُکَ مَسْئَلَةَ الْعَلِیلِ الذَّلِیلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ
اَنْ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی وَاَنْ تَرْجِعَنِی بِحَاجَتِی اَللّٰهُمَّ اِنِّی
عَبْدُکَ وَالْبَلَدُ بَلَدُکَ وَالْبَیْتُ بَیْتُکَ جِئْتُ اَطْلُبُ
رَحْمَتَکَ وَاَؤُمُّ طَاعَتَکَ مُتَّبِعاً لِاَمْرِکَ رَاضِیاً بِقَدَرِکَ
اَسْئَلُکَ مَسْئَلَةَ الْمُضْطَرِّ اِلَیْکَ الْمُطِیعِ لِاَمْرِکَ الْمُشْفِقِ
مِنْ عَذَابِکَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِکَ اَنْ تُبَلِّغَنِی عَفْوَکَ
وَتُجِیرَنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ پس نزد حجر الاسود آید

و بر وجه مذکور طواف کند و الله اکبر بگوید **فصل دویم**
آنستکه عبارت از ایستادن از محاذات حجر الاسود بر وجه
مذکور باید نیت کند مقارن شوط اول باین طریق که
هفت شوط زیارت خانهٔ کعبه میکنم در حج اسلام طواف
حج تمتع واجب قربة الی الله پس بر وجهی که سابق ذکر
شد طواف کند و در پشت مقام نماز طواف کند با نیت
وجوب و بر وجه استحباب نزد حجر الاسود بیاید
و آداب مذکوره را بجای آورد **فصل سیم** آنستکه
چون از طواف و نماز آن و سایر آداب فارغ شده متوجه
سعی شود بر وجه مذکور زیرا که تفاوتی نیست مگر
در نیت که اعمال سابقه چون سعی و مانند آن را

در عمره نسبت بعمره میدهد و در حج نسبت بحج و
بعد از آنست که بوی خوش را در اینوقت بر خود حلال
بداند نه بعد از طواف زیارت چنانکه از بعضی محکی
هست بلکه مکروه هست استعمال بوی خوش پیشتر
از فارغ شدن از طواف نسا چنانکه مکروه هست
پوشیدن سر و در بر کردن رخت دوخته پیشتر
از سعی میان صفا و مروه **فصل چهارم** آنستکه
چون از سعی فارغ شود برگردد بجانب خانهٔ کعبه
از برای طواف نسا و بر وجه مذکور طواف کند با نیت
نیت که هفت شوط طواف نسا میکنم در حج اسلام
حج تمتع واجب قربة الی الله و بعد از فراغ از طواف نساء

وهفت شوط آن بطور سابق در پشت مقام دو رکعت
نماز طواف بکند و اگر در عمرهٔ تمتع نیز طواف نسا بکند
چنانکه از نادری قول بوجوب آن محکی است دور
نیست که بهتر باشد و فرق نیست در وجوب طواف
نسا میان مرد و زن و پیر و جوان و صغیر و کبیر و خواجه
و غیر ایشان و بعد از طواف نسا زنان بر مردان و مردان
بر زنان حلال میشوند و حرمت صید حرم از راه دیگر است

مقصد پنجم در بیان احکام عود از مکه بمنی است
و بالعکس بدانکه حاجی بعد از فارغ شدن از اعمال مکه
باید بمنی بیاید و در شب یازدهم و دوازدهم در منی
شب را بروز آورد و اگر کسی از صید و نسا اجتناب
نکرده

اگر شب یازدهم در مکه باشد باید بمنی بیاید

نکرده باشد در شب سیزدهم نیز باید در منی شب را
بروز آورد و اگر کسی از صید و زنان اجتناب نکرده
باشد در شب سیزدهم نیز باید در منی شب را بروز
آورد و همچنین کسی که در روز دوازدهم تا غروب
آفتاب از منی بیرون نیاید و واجب است که بانیت باشد
در اول شام باینطریق که قصد کند که در این شب
در منی میمانم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة
الی الله و واجبست که در ایام تشریق یعنی هر روز
از این شبها سه جمره را هفت سنگ ریزه بزند با نیت
وجوب در هر یک از سه جمره بترتیب اول جمرهٔ اولی را
که بعرفات نزدیکتر است ² و بعد جمرهٔ عقبه را

و بعد جمرهٔ وسطی را صح

و اگر عکس کند وسطی و عقبه را اعاده کند که ترتیب
حاصل شود و وقت رمی تمام روز است و قبل از ظهر
افضل است مضی سنت است که در این سه روز
از منی بیرون نرود و در جمرهٔ اولی و وسطی رو بقبله کند
و وقوف کند و در جمرهٔ عقبه پشت بقبله کند و بیشتر
از انداختن این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ هٰؤُلَاءِ حَصَیَاتی
فَاحْصِهِنَّ لِی وَارْفَعْهُنَّ فِی عَمَلِی و با هر سنگ که
اندازد این دعا بخواند اللّٰه اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی
الشَّیْطَانَ اَللّٰهُمَّ تَصْدِیقًا بِکِتَابِکَ وَعَلٰی سُنَّةِ
نَبِیِّکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْیًا مَشْکُورًا وَذَنْبًا
مغفورا

مَغْفُورًا و چون فارغ شود و بجای خود بگردد و بگوید
اَللّٰهُمَّ بِکَ وَثِقْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَ
نِعْمَ الْمَوْلٰی وَنِعْمَ النَّصِیرُ و با هر یک از سنگ ریزه
که می اندازد الله اکبر بگوید و تکبیرات وارد شده را
که بعضی واجب دانسته اند در عقب پانزده
نماز که اولش ظهر روز عید است و آخرش صبح
روز سیزدهم است و در شهرهای دیگر در عقب
ده نماز بخواند با نیت قربت و آن این است اَللّٰهُ اَکْبَرُ
اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ
وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدَانَا وَاللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی
مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعَامِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَوْلَانَا

وسنت است که در منی نمازها را در مسجد خیف

بجای آورد و صد رکعت نماز

و صد مرتبه سبحان الله

بگوید و صد مرتبه

لا اله الا الله

تمّ

بجهة سرکار فیض مدار آقا صالح رقم زده گردید امید از خداوند مجید چنانست

که توفیق رفیق ایشان شده که بزودی باین تشریف مشرّف شده

بمضمونش عمل نماید یا ربّ البیت الحرام و ربّ الرکن والمقام بحق

علی محمد و آله افضل السلام واستجب دعائه فی هذا المقام واحفظه

یوم تزل فیه الاقدام والسلام والاکرام

۸۹